

نرخهای ثابت

و شناور؟

نرخهای ثابت و شناور؟

نوشته : پل چرتکو و جیمز اونیل

ترجمه : مهناز آریین نژاد

نقل از : نشریه ی یورومانی - شماره ی آوریل ۱۹۸۶

در ماههای اخیر در کلیه ی محافل پولی بین المللی صحبت از نارسایی نظام نرخهای ارز شناور است . چه بسیارند کسانی که تشکیل برتون وودز دیگری را خواهانند و حتی می گویند بازگشت به نظام پایه های طلا ضرورت دارد . وزرای امور خارجه ی کشورهای عضو سازمان کشورهای غیرمتعهد نیز در نشست اخیر خود خواهان به وجود آمدن نظام پولی جدید شدند .

پل چرتکو (Poul Chertkow) و جیمز اونیل

(James O Neill) ضمن یک بررسی مختصر نشان می دهند که در روزهای برقراری توافقات کنفرانس برتون وودز نیز نرخهای توافقات کنفرانس برتون وودز نیز نرخهای ارز چندان بهتر از زمان حاضر نشان دهندهی واقعیات اقتصادهای مربوط نبود. آنها راه حل بحران پولی موجود را در هماهنگ سازی سیاستهای اقتصادی کشورهای صنعتی جست و جو می کنند.

از آن جا که سیاستهای ارزی هیچ یک از کشورهای در حال توسعه مستقل از نظام پولی بین المللی نیست، آگاهی از تحولات و روند عقاید در بازارهای بین المللی برای کلیه دست اندرکاران مسایل پولی و مالی واجب است.

برپا کردن یک کنفرانس بین المللی درباره ی نظام پولی، ممکن است به خوبی امیدهای بسیاری را برآورده سازد که می خواهند نظام نرخهای شناور کنونی را با نظمی جا نشین سازند که در آن نوسانات ارزها به مراتب محدودتر شود. اما، آیا چنین وضعی عملی خواهد بود؟ یا حتی، آیا وجود چنین نظامی مطلوب خواهد بود؟

تغییر ارزش دلار طی پنج سال گذشته - که اول صعودی بود و اینک نزولی شده است - ناشی از تغییر سیاستهای پولی و مالی در ایالات متحده است. همین تغییرات می توانست در شرایط برقراری نظام برتون وودز نیز که نیکسون در سال ۱۹۷۱ به آن پایان داد، بروز کند.

این نکته را می توان با مقایسه ی نوسانات نرخهای برابری و نرخهای تورم نسبی بین سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۸۵ نشان داد. دوره ی اخیر شامل دوره ی برقراری نرخهای ثابت و نیز دوره ی وجود نرخهای شناور می شود.

اگر می توانستیم موضوع نرخهای نسبی تورم را در کشورهای گوناگون بررسی کنیم، با تعجب و هماهنگی بیشتر مورد مطالعه قرار دهیم، امکان داشت بتوانیم برتری نسبی یک نظام را بر نظام دیگر به عنوان نتیجه ی مطالعه ی

خودبیان نماییم. کشورهای مورد بحث ما پنج کشور بزرگ صنعتی جهان هستند که امروز آنها را با نام گروه پنج می‌شناسیم. در جدول شماره ۱ متوسط نرخ سالانه تورم آنها با استفاده از شاخص قیمت‌های مصرفی دیده می‌شود.
جدول شماره ۱: متوسط نرخ سالانه تورم

دوره نرخهای ثابت				دوره نرخهای شناور			
۱۹۶۱-۱۹۷۰		۱۹۷۱-۸۰		۱۹۸۰-۱۹۸۵		۱۹۸۵-۱۹۷۱	
ایالات متحد							
۲/۷۷	۷/۸۶	۵/۴۲	۷/۰۵	آمریکا			
۵/۷۴	۹/۱۲	۲/۷۶	۷/۰۰	ژاپن			
۲/۵۸	۵/۰۸	۳/۹۴	۴/۷۰	آلمان غربی			
۴/۰۵	۹/۷۱	۱۰/۱۶	۹/۸۶	فرانسه			
۳/۹۶	۱۳/۸۰	۷/۴۲	۱۱/۶۷	بریتانیا			

ماخذ: IMF, International Financial Statistics.

در جدول شماره ۲ (الف) چه‌گونگی مقایسه‌ی نرخهای تورم برای چهار کشور گروه با نرخ تورم در ایالات متحد آورده شده است. در جدول شماره ۲ (ب)، درصد تقویت یا تضعیف هر یک از ارزها در برابر دلار دیده می‌شود.

جدول شماره ۲ (الف): تفاوت نرخهای سالانه‌ی تورم

دوره نرخهای ثابت		دوره نرخهای شناور		
۱۹۶۱-۷۰		۱۹۷۱-۱۹۸۰		۱۹۸۱-۱۹۸۵
۲/۹۷	-۱/۲۶	۲/۶۶	۰/۰۵	ژاپن
۰/۱۹	۲/۷۸	۱/۴۸	۲/۳۵	آلمان غربی
-۱/۲۸	-۱/۸۵	-۴/۷۴	-۲/۸۱	فرانسه
-۱/۱۹	-۵/۹۴	-۲/۰۰	-۴/۶۲	بریتانیا

نرخ منفی به معنای وجود تورم بالاتر در مقایسه با تورم ایالات متحد است.

جدول شماره ی (ب): نرخهای ارز در پایان سال در مقایسه با دلار

۱۹۷۱-۱۹۸۵	۱۹۸۱-۱۹۸۵	۱۹۷۱-۱۹۸۰	۱۹۶۱-۷۰	
۲۵/۲	۰۰/۰	۳۵/۵	۰/۲	ژاپن
۲۲/۳	-۲۴/۵	۴۶/۳	۸/۷	آلمان غربی
-۴۷/۱	-۶۵/۲	۱۸/۱	-۱۲/۶	فرانسه
-۶۷/۲	-۳۳/۴	-۰/۴	-۱۷/۳	بریتانیا

علامت منفی نشان دهنده ی تضعیف در برابر دلار است .

ماخذ: IMF, International Financial Statistics.

واضح است که نرخهای نسبی دلار وین طی دوره ی نرخهای ثابت از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، منعکس کننده ی تفاوت نرخهای تورم دو کشور نبوده است .

از طرف دیگر، نرخهای نسبی دلار و مارک آلمان به نظمی رسد که بیش از نسبت لازم برای جبران تفاوت تورم باشد. فقط نوسانات فرانک فرانسه و لیره ی استرلینگ بازتابی از تفاوتهای نرخهای تورم بوده است .

در دهه اول دوره ی شناوری نرخها، افت شدید دلار با تفاوتهای نرخهای تورم قابل توجه نبود. در حقیقت، دلار در برابر یمن و فرانک فرانسه با ید تقویت می شد. افزایش دلار در دوره ی ۸۵-۱۹۸۰ نیز با تفاوت نرخهای تورم توجه پذیر نبود. نرخ برابری دلار و مارک در جهت عکس حرکت کرد .

با وجود این، ستون آخر که تمام دوره ی شناوری نرخها را در بر می گیرد، ارتباط بین تفاوت نرخهای برابری و تفاوت نرخهای تورم را نشان می دهد، البته به جز آن که بر این اساس به نظر می رسد که تقویت بین بیش از حد زیاده بوده است .

نرخهای شناور در کوتاه مدت منعکس کننده ی تفاوت تورم نیستند، و بنا بر این به برابری قدرت خرید منجر نمی شوند. اما، در نظام نرخهای ثابت نیز چنین نبود .

از این گفته نتیجه می‌شود که حرکت آمریکا در جهت تشکیل یک سمینار بین‌المللی در مورد مسایل پولی نادرست است. حکومت آمریکا، با لافتن درجه‌ی عدم اطمینان ناشی از نوسانات ارزها در سالهای اخیر را با تاثیرهای رقابت‌پذیری ارزها یعنی تورم یا حمایت از محصولات داخلی، اشتباه کرده است. نوسانات دلار طی دوره‌ی اول حکومت آقای ریگان این نکته را نشان داد که دخالت جهت دار نمی‌تواند روند بنیادی ارزهای عمده را تغییر دهد. برای این عمل، تعدیل سیاستها ضرورت دارد.

جمعی کثیر، به ویژه در ایالات متحد، برای عقیده‌اتدکه مکا نیستم تعدیل ارزها در داخل سیستم پولی اروپایی عامل تثبیت نسبی ارزهای سیستم پولی اروپایی بوده است.

واقعیت این است که در فاصله‌ی مارس ۱۹۷۹ (یعنی زمان به وجود آمدن سیستم پولی اروپایی) و مارس ۱۹۸۳، هفت مرتبه تجدید همسازي ارزها صورت گرفت. سیستم زمانی ثبات یافت که اعضای ضعیف تر سیاستهای تحدیدی مالی در پیش گرفتند.

ایتالیا، از این قاعده مستثنی بود، زیرا تنها کشور ضعیف عضو سیستم بود که توان سیاسی اجرای سیاستهای انقباضی به مقیاس لازم را نداشت. بنا بر این، عملکرد اقتصادی ایتالیا همچنان دور از سایرین باقی ماند و تغییر ارزش لیر در برابر سایر ارزها سیستم پولی اروپایی در ژوئیه‌ی ۱۹۸۵ پیا مداین وضع بود. در صورتی که کنگره‌ی ایالات متحد بتواند ساله‌ی کسری بودجه‌ی آن کشور را حل کند، سیاستهای پولی پنج کشور صنعتی جهان برای اولین بار در زمان حکومت ریگان به یک دیگر نزدیک خواهد شد.

تجربه‌ی سیستم پولی اروپایی نشان می‌دهد که سیاستهای مشا به خودی خود نمی‌توانند دلار را در سطحی تثبیت کنند که به با نرخهای تورم و درجه‌ی رقابت کشورها هما هنگ باشد. به این ترتیب، فشارهای سیاسی برای به وجود آمدن نظام جدید ارزی از بین می‌رود.

